

افزایش همه روزه ی قیمت ها و فرا افکنی مقامات رژیم

صادق کار



در حالی که افزایش قیمت کالاهای خوراکی، دارو، هزینه اجاره بها و ... همچنان به رغم وعده های تو خالی مقامات حکومتی مبنی بر کاهش تورم و گرانی همچنان ادامه دارد

به گفته یکی از نمایندگان پیشین مجلس تورم به ۷۰ درصد صعود کرده است. عوامل حکومتی این فجایع از سر استیصال و درماندگی در کنترل تورم و گرانی تلاش می کنند تقصیر فجایع را به گردن دولت های پیشین و "دشمنان خارجی" بیندازند

آنها ابلهانه تصور می کنند با این آدرس غلط دادن ها می توانند از خشم و انزجار و اعتراضات فزاینده مردم بکاهند. علم الهدی نماینده خامنه ای و اختیار دار امپراطوری مالی امام رضا در مشهد و عضو مجلس خبرگان که نگران فوران آتش فشان خشم و نفرت مردم از وضعیت است، در بخشی از خطبه های نماز جمعه این هفته پس از اذعان به وضعیت بد معیشت و اقتصاد و دادن وعده رسیدگی به آن از طرف مسئولین، انگشت اتهام خود را بسوی "دشمنان" نشانه گرفت و گفت: "وضعیت فعلی فقط محصول عملکرد مدیران داخلی نیست بلکه توطئه و خواست دشمن هم در بروز این بحران اقتصادی دخیل بوده و بر این اساس، دشمنی که پیروزی های ما را در عرصه های مختلف شاهد است، هر روز فشار خود را بر معیشت مردم بیشتر می کند. " و در ادامه افزود "مردم هوشیار باشند تا تنگدستی عامل دست کشیدن از ... انقلاب نشود،



امام جمعه جفنگ گوی مشهد البته از دست آوردهایی که باعث فشار دشمن شده توضیحی نداد

نماینده مجلس خبرگان خامنه‌ای در حالی وعده سر خرمن ارزانی را به مردم می دهد که قیمت نان ظرف یک هفته بطور متوسط دو برابر گرانتر شده و قیمت تخم مرغ آنقدر بالا رفته است که خوردن اشکنه که او چند ماه پیش بعنوان جایگزین گوشت و مرغ در نماز جمعه دیگری خوردن اش را توصیه کرده بود برای خیلی ها به رویا تبدیل شده است. وانگهی مشکل دیگر فقط نان و آب نیست، دارو و درمان و مسکن و خیلی چیزهای دیگر هم به آنها افزوده شده است

چند ساعت قبل از انتشار سخنان نماینده خامنه‌ای و رئیس امپراطوری مالی امام رضا، خبر گزاری ایلنا گزارشی در مورد درماندگی مردم از اجاره خانه به علت گرانی را منتشر کرد و از قول کارگری که جز به اصطلاح حقوق بالایی بگیر ها ست نوشت، یک آپارتمان ۶۰ متری را سال گذشته با ۶۰ میلیون رهن و ۵ میلیون کرایه اجاره کرده‌ام، امسال صاحبخانه از من ۱۰۰ میلیون رهن و ۱۳ میلیون اجاره می خواهد با ۱۶ میلیون حقوق که می گیرم ۳ میلیون برای بقیه زندگی بیشتر برای من باقی نمی ماند. این کارگر شانس آورده که جز حقوق بالایی بگیر هاست، تصور کنید و ضع ۹۰ درصد مزدبگیری را که مجموع دستمزد و مزایای شان به زحمت به ۸ میلیون می رسد. یعنی کل دستمزد و مزایای که می گیرند دیگر کفاف مسکن خالی را هم نمی دهد

چند روز پیشتر نیز یکی از روسای اتحادیه بنگاه داران گفته بود اجاره دادن پشت بام ها غیر قانونی است. یعنی قضیه پشت بام خوابی چنان گسترش پیدا کرده که کار به دادن اخطار کشیده شده

علم الهدی در همان حال که وعده بهبود معیشت می دهد، به جای دادن راه کار مزدوران حکومت را تحریک به سرکوب بی حجابها و پلمپ کردن مکانهای که در آنها حجاب اجباری رعایت نمی شود می کند. یعنی با این کار علاوه بر ایجاد مزاحمت برای زنان، عده دیگری از مردم را با پلمپ کردن محل های کارشان از نان خوردن می اندازد. او از به خطر افتادن دین هم صحبت می کند، اما کیست که ندادند دین و "انقلاب" برای این جماعت دین فروش وسیله‌ای است برای سود و حفظ سلطه یک اقلیت کوچک مافیایی جبار و ستمگر که هر روز کوچکتر و بی پشتوانه تر می شود. ابلهان تبهکار مشیت بر سنگ می کوبند و نمی فهمند نه هیچ مشکلی با سرکوب حل می شود و نه مردم را می شود با تشدید سرکوب وادار به تسلیم کرد

**از اعتصاب کارگران شرکتهای پتروشیمی و نفتی و سایر کارگران و بازنسندگان
و پرستاران و مطالبات آنان حمایت کنیم!**

**مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید
کنیم!**

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!



کار کودک: علل و عواقب تداوم فقر بخش اول
برنامه بین‌المللی برای محو کار کودک
ژان مانینات



مقدمه - 1

کار کودکان واقعیتی غم‌انگیز در جهان ماست که علل و پیامدهای متعددی دارد. از جمله علل اصلی آن باید از فقر، خشونت خانگی، الگوهای فرهنگی، تساهل اجتماعی، نبود فرصت‌ها و حمایت‌ها، کیفیت آموزش اجباری و برنامه دولت برای اجرای جامع آن، نام برد. به این دست علل باید فقدان ظرفیتهای نهادی برای مبارزه مؤثر با کار کودک و حتی وجود شکافها و تضادهای هنجاری در برخی کشورها را اضافه کرد. به طور کلی، این علل مستقلاً و جداگانه عمل نمی‌کنند، بلکه به اشکال مختلفی ترکیب می‌شوند و بروز می‌یابند، به نحوی که گاه شناسایی سلسله مراتب یا عوامل تعیین‌کننده اصلی دشوار و حتی غیرممکن می‌شود.

در مورد دختران و پسرانی که در آن فعالیتهای اقتصادی شرکت دارند، که بیشتر متعلق به خانواران با سطح اقتصادی-اجتماعی پایین‌اند، آشکار شده است که در میان جنبه‌های متعدد تحقیق شده، شکاف عریضی در میزان حضور آنان در مدرسه - در مقایسه با دختران و پسرانی که به این قبیل فعالیتهای اشتغال ندارند - وجود دارد؛ ایضاً عملکرد و موفقیت این گروه در مدرسه، که محسوساً سطح نازلی دارد. پیامدهای اصلی کار کودکان در درازمدت جز این نبوده است که به تداوم فقر آنان منجر می‌شده است، یعنی کار کودک موجب است برای تداوم فقر.

اگرچه میزان مشارکت دختران و پسران 5 تا 14 ساله در آمریکای لاتین در فعالیتهای اقتصادی کاهش یافته است، اما این میزان همچنان بالاست. این وضعیت باید در موقعیت جهانی آمریکای لاتین تحلیل شود، که با سطح پایین تولیدوری (خواه تولیدوری به طور کلی و خواه تولیدوری کار)، نابرابری بسیار در توزیع ثروت و درآمد، و سطح بالای فقر (چه از نظر درآمد و چه از نظر مصرف ناکافی و محرومیت در رفع نیازهای اساسی) مشخص می‌شود.



پیش از این چشم انداز، دولت‌های برخی از کشورها با همکاری سازمانهای بین المللی، همکاریهای دوجانبه و سازمانهای مختلف جامعه مدنی، برنامه‌ها و راهبردهایی را برای تحرک بخشیدن مجدد به اقتصاد، بهبود اجتماعی و کاهش فقر تدوین کرده بوده اند. با این حال، مسئله کار کودک تقریباً در تمام این برنامه‌ها تماماً غایب است. به علاوه علیرغم تأکیدات بسیار در متن آن برنامه‌ها و راهبردها، پیشرفت کمی در اجرای آنها حاصل شده است.

هدف کلی تحقیق حاضر تدوین و ارائه توصیه‌هایی است، به نحوی که مسئله کار کودک در کشورهای آمریکای لاتین در استراتژیهای آنها برای توسعه ملی و کاهش فقر در انطباق با تعهدات بین المللی شان در این زمینه، مورد توجه قرار گیرد.

برای دستیابی به این هدف کلی، چهار هدف مشخص تعریف شده اند: الف) تحلیل وضعیت کار کودکان در کشورهای آمریکای لاتین، - بررسی عمیقتر علل و عواقب آن، ب) انجام تحلیلی کلی از تعهدات کشورهای آمریکای لاتین در مورد کار کودکان در چارچوب کنوانسیونها و موافقتنامه‌های بین المللی، ج) تجزیه و تحلیل چگونگی پرداختن به موضوع کار کودکان در تدوین برنامه‌ها و راهبردها برای کاهش فقر در موقعیت کنونی کشورهای آمریکای لاتین؛ د) ارائه توصیه‌هایی برای رسیدگی به مسئله کار کودکان در تدوین برنامه‌ها و راهبردها برای کاهش فقر به طور کلی.

کشورهای مورد نظر در آمریکای لاتین عبارت از این ۱۸ کشور اند: آرژانتین، اروگوئه، اکوادور، السالوادور، برزیل، بولیوی، پاراگوئه، پاناما، پرو، دومینیک، شیلی، کاستاریکا، کلمبیا، گواتمالا، مکزیک، نیکاراگوئه، ونزوئلا و هندوراس.

این رساله در سه فصل و یک پیوست آماری تنظیم شده است. در فصل اول، میزان کار کودکان در آمریکای لاتین با ارقام ترسیم شده است تا متعاقباً رابطه بین این ارقام و فقر تحلیل شود. این تحلیل در دو سطح انجام می‌شود: از یک طرف افراد و خانواران، و از طرف دیگر متغیرها در سطح کلان. پایان بخش فصل اول شامل برخی ملاحظات در باره نتایج مثبت اقتصادی در صورت ریشه کنی کار کودک است. در فصل دوم به تعهدات اصلی کشورهای آمریکای لاتین در موضوع کار کودک اشاره شده و نحوه رسیدگی به مسئله در برنامه‌ها و راهبردهای در دست اجرا در این کشورها بیان شده است. در پایان، در فصل سوم، نتایج اصلی تحقیق و توصیه‌هایی برای پیشبرد امر ریشه کنی کار کودک ارائه شده اند.

Jesús de)، خسوس د لا پنی (Guillermo Dema) نویسنده مایل است از نظرات ارزشمندی که گیلرمو دما روی پیش نویس این رساله دادند، تشکر کند. لازم به تأکید است که (David López) و دیوید لویز (la Peña) نظرات بیان شده در این رساله منعکس کننده دیدگاه شخصی نویسنده است و به هیچ وجه شامل افراد ذکر شده یا سازمان بین المللی کار نمی شود.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!



این جنایات بخاطر نزدیک شدن به ته خط است!
کشتار جنایت کارانه ۱۰ سوختبر را محکوم کنیم



رژیم جمهوری اسلامی با شعارهای فربیکارانی چون، "حمایت از مستضعفان، پابرهنگان، کوخ نشینان و امثالهم" و با کمک تهی دستان و حاشیه نشینان شهری و روستایی یا بقول خودشان "مستضعفان" و با وعده رفع محرومیت‌های میلیون‌ها محروم از محرومیت و استقرار آزادی و عدالت به قدرت رسید. اما در عمل بر تعداد محرومین افزود و به بدترین رژیم دشمن محرومان تبدیل شد و دشمنی رژیم با محرومان روز به روز بیشتر و کار این دشمنی به کشتار محرومترین محرومان کشیده شد.

در اینکه سوختبری و تبدیل آن به شغلی که حیات و بقای ده‌ها هزار نفر از مردم بلوچستان وابسته به آن است نتیجه عملکرد و سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی است جای کمترین شک و تردیدی وجود ندارد. در اینکه کار سوختبری اگر بشود نام‌اش را کار گذاشت، یکی از شاق‌ترین و خطرناک‌ترین کارهاست که مردم به دلیل نداشتن کار و از روی اجبار به آن روی می‌آورند نیز شک و شبهه‌ای وجود ندارد.

آمار سوختبرانی که هنگام انتقال سوخت کشته شده‌اند بر خطرناک بودن این شغل گواهی می‌دهد. یک سوختبر هر بار که برای کار از خانه بیرون می‌رود می‌داند که اگر از موانع متعدد که در کمین او نشسته جان سالم به در ببرد، جان بدر بردن از گلوله نیروهای امنیتی و سوختن در جهنمی که در پی شلیک به محموله‌ای که حمل می‌کند تا چه حد دشوار است. با این همه چون ناگزیر به ادامه این کار است تن به آن می‌سپارد.

مشابه این رفتار با کولبران در کردستان نیز مرتب اتفاق افتاده و تکرار شده است. مقصر اصلی کولبری و سوختبری کسی به غیر از رژیم فاسد و نار آمد و مستبد خامنه‌ای و شرکا نیست که بجای ایجاد اشتغال مولد و شایسته برای جوانان و تامین پوشش تامین اجتماعی آنان را هم ناگزیر به کولبری و سوختبری می‌کند و هم آنها را دسته دسته به گلوله می‌بندند و بخاطر گناهان ناکرده مجازات شان می‌کنند.

سوختبر، علاوه بر اینکه یک بلوچ و سنی مذهب است و خود بخود از نظر نیروهای سرکوبگر یک هدف تلقی می‌شود، رقیبی هم ولو کوچک برای براد



ران قاچاقچی سپاهی که شب و روز با نفت کشهایشان بدون هر مانعی مشغول "قاچاق سوخت" به کشور همسایه هستند محسوب می شوند که باید از سر راه برداشته شوند.

حالا اما بهانه دیگری هم برای کشتن سوختبر به دست عوامل حکومتی پیدا شده. بهانه تازه مبارزه و مقاومت مردم بلوچستان در برابر ستمگری مضاعف حکومت در این منطقه محروم نگه داشته و همراهی و حمایت آنها از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی است که رژیم به رغم کشتار بربرمنشانه صدها نفر از مردم در زاهدان و بلوچستان و اعدام تعداد زیاد دیگری و به اسارت گرفتن صدها نفر دیگر و اعمال سرکوبگرانه دیگر نتوانسته به آن پایان دهد.

کشته شدن دستکم ۱۰ سوختبر ظرف ۷۲ ساعت که از ۱۷ اردیبهشت شروع شد در اثر شلیک مستقیم مأمورین نظامی و تصادف جاده‌ای در هنگام تعقیب و گریز همچون موج جنون آمیز اعدامها، حملات شیمیایی تروریستی به مدارس دخترانه، تشدید سختگیری ها علیه زنان و پلمپ کردن محل های کسب و کار و تورپستی و اقداماتی از این قسم، همگی انتقامجویی از مردمی است که رژیم با وجود برخوردهای جنایتکارانه و تشدید بگیر و ببندها موفق به سرکوب جنبش آنان نشده است. این اقدامات ناشی از ترس و احساس نزدیک شدن رژیم به ته خط است.

اسامی سوختبران جان باخته به گزارش منابع خبری بلوچ به شرح زیر اعلام شده است "یوسف ریگی (کشانی) ۱۷ ساله، کودک سوختبر، محمد ریگی (کشانی)، محمد کرمانی (جمالزایی)، ابراهیم براهویی، یاسین نارویی، فیض محمد تاهل گریکان، یارمحمد آسکانی، امین الله گرگیج، ذبیح الله گرگیج، نصیر دینارزهی"

نکاتی پیرامون تعدیل قانون بازنشستگی کارهای زیان آور و پیامدهای آن

صادق





تلاشهایی که از طرف دولت برای تغییر قانون بازنشستگی از مدتی پیش شروع شده است بخشا عملی شده و بخش باقی مانده نیز در حال عملی شدن قرار دارد. دولت علاوه بر آنکه در نظر دارد سن بازنشستگی را افزایش و سطح حقوق بازنشستگی را کاهش دهد، تغییر قانون بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور را نیز بدون سر و صدا به نحوی که اکثر مشاغل سخت را از شمول بازنشستگی زودرس خارج کند، تغییر داده است. گزارشاتی نیز به صورت جسته گریخته که گاهی منتشر می شوند از آن جمله گزارش روز گذشته منتشره در خبرگزاری "ایلنا" حکایت از این تغییرات دارند.

البته مدتهاست که کارفرمایان و دولت دیگر قانون بازنشستگی در اکثر کارهای سخت و زیان آور را اجرا نمی کنند. معمولا هر وقت می خواهند قانونی را تغییر دهند از مدتی پیش از تغییر رسمی، از اجرای آن طفره می روند تا مقدمات تغییر آن را فراهم کنند.

قانون می گوید: "طبق بخش ب تبصره ۲ قانون تامین اجتماعی مشاغلی، که به عنوان مشاغل سخت و زیان آور تعریف شده اند... مطابق قانون بازنشستگی با داشتن ۲۰ سال سابقه متوالی در پرداخت حق بیمه بدون شرط سنی می توانند بازنشسته شوند."

و می افزاید هر گاه پرداخت حق بیمه متناوب نباشد شرط بازنشستگی پرداخت ۲۵ سال حق بیمه می باشد. این قانون اما بعد از آمدن دولت رئیسی در سال گذشته دستخوش تغییراتی شده است.

در آئین نامه ای که برای تعیین مصادیق مشاغلی که شامل بازنشستگی کارهای سخت و زیانبار تدوین شده بود بعد از انجام تغییراتی در آن، راه حذف بسیاری از مشاغل از شمول قانون را باز گذاشته است.

اولین اقدام دولت افزایش سابقه بازنشستگی در کارهای سخت و زیانبار، از ۲۰ به ۲۵ سال در سال گذشته بود. قدم بعدی دادن مهلت ۲ ساله به کارفرمایان برای رفع عوامل زیان آور در تعداد زیادی از مشاغل بود که به زعم دولتمردان با انجام اقداماتی می توانستند از شمول کارهای سخت حذف شان کرد.

گویی زیان آوری و سختی آنها از اول بخاطر کمبود تجهیزات بوده و نه ماهیت کار! بهانه ای از این بی پایه و اساستر پیدا نکردند. این مشاغل طبق استانداردهای بین المللی بعنوان مشاغل سخت و زیان آور تعریف می شوند و نه بواسطه کمبود تجهیزات.

مشاغل زیان آور به دو دسته الف و ب تقسیم شدند. گروه الف مشاغلی تعریف شدند که با وجود سختی آنها قابل حذف، و دسته ب که با کمک تجهیزات نیز زیان آور و سخت بودنشان قابل رفع نباشد.

هدف از این دسته بندی همچنان که ذکر شد، حذف یکسری از مشاغل از شمول کارهای سخت و زیان آور بود. حالا گزارشات حاکی است که ابتدا به کارهای مشمول دسته الف ۲ سال فرصت می دهند تا محل کار را با استفاده از تجهیزات زیانبار زدایی کنند. سپس بدون اینکه تغییر اساسی در ماهیت و شیوه کار انجام شده باشد، بازرسی را از طرف اداره کار و یکی از شرکتهای آلاینده سنج مورد تأیید وزارت بهداشت برای بازدید و تشخیص به محل کار می فرستند تا نتیجه را گزارش دهد. مامور آلاینده سنج هم که گویا از پیش توجیه شده یکسره سراغ کارفرما می رود و از او می پرسد، می خواهی کارخانه ات مشمول بند، الف یا ب شود، نتیجه می شود همان که کارفرما می خواهد و سازمان تامین اجتماعی، معامله برد برد برای کارفرما و تامین اجتماعی و دو سر باخت برای کارگر.

خبرنگار ایلنا در گزارشی که روز گذشته در این خبرگزاری منتشر شد به نقل از کارگری در مورد نتیجه "بازرسی ها نوشت



باقری توضیح می‌دهد: برای بهره‌مندی از قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، به گزارش بازرسان کار و بهداشت و همچنین آلاینده‌سنجی نیاز است که این آلاینده‌سنجی از سوی شرکت‌های مورد تأیید وزارت بهداشت صورت می‌گیرد. این شرکت‌ها معمولاً همان ابتدای کار، از کارفرما سوال می‌کنند که آیا تمایل دارد بخش مورد نظر سخت و زیان‌آور شود یا خیر؟! این وسط معامله صورت می‌گیرد؛ اگر پاسخ کارفرما منفی باشد، آلاینده‌گی محیطی جوری گزارش می‌شود که شرکت، مشمول قانون مشاغل سخت و زیان‌آور نشود. پس یک بخش قضیه همین شرکت‌های آلاینده‌سنج هستند که معمولاً نتیجه‌ی گزارشی که می‌دهند، همان . . خواسته‌ی کارفرماست

بدین سان با این کلک بازاری سه چهارم کارگران شاغل در کارهای سخت و زیان‌آور را با تبانی از حقوق‌شان محروم می‌کنند. یکی از کارگران چاپ که قبلاً شامل کارهای سخت و زیان‌آور می‌شده به خبرنگار ایلنا می‌گوید نه تنها هیچ تغییری در شرایط محل کاری که ۱۹ سال در آن کار می‌کند بوجود نیامده، بلکه وضعیت در اثر کهنه شدن ماشین‌ها بدتر از پیش شده است. او سپس به فوت یکی از همکاران اش که ۵ سال بعد از بازنشستگی به علت سرطان رخ داده اشاره می‌کند و می‌گوید خیلی‌ها قبل از رسیدن به بازنشستگی فوت می‌کنند.

من خودم در نوجوانی در چاپخانه سپهر که بیشتر کتابهای آموزشی را چاپ میکرد و نزدیک میدان بهارستان قرار داشت هم در قسمت صحافی و مدتی هم در قسمت حروفچینی کار می‌کردم و با آلودگی کار آشنایی داشتم حرفهای این کارگر را درک می‌کنم. آنجا می‌دیدم که خیلی از کارگران با سابقه مشکل تنفسی و ریوی پیدا کرده بودند و پزشکان به بعضی از آنها گفته بودند باید شغلشان را عوض کنند. ماهیت این کار طوری نیست که بشود با تجهیزات زیان‌آور بودنشان را رفع کرد. کما اینکه آن چاپخانه در نوع خود مجهزترین چاپخانه در آن زمان بود.

وضعیت در اکثر کارخانه‌ها و کارگاه‌ها که کارگران شان شامل بازنشستگی کارهای سخت نیستند نیز آنقدر غیر بهداشتی و ناایمن است که هر ساله تعداد کسانی که در اثر حوادث شغلی کشته و بیمار و از کار افتاده می‌شوند بنا به آمارهایی که نهادهای رسمی منتشر می‌کنند بیشتر می‌شود. با حذف حدود سه چهارم کارگران مشمول کارهای سخت و زیان‌آور تعداد تلفات و بیماری‌های شغلی

حتمی بیشتر و سود سرمایه‌داران نیز بالاتر خواهد رفت و انگیزه همه این تغییرات ضد انسانی چیزی غیر از بالا بردن سود سرمایه‌داران به قیمت قربانی کردن جان و سلامت و آسایش و رفاه کارگر نیست. و تا وقتی که این نظام لعنتی پا بر جاست و بساط داغ و درفش بکارند، وضعیت اگر بدتر نشود، بهتر نخواهد شد

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



۷۱ درصد زنان سالمند تنها در ایران درآمد ندارند
میرظاهر موسوی، جامعه‌شناس و سرپرست پژوهش «پیامدهای اجتماعی- اقتصادی زندگی زنان سالمند تنها» گفته است بر اساس یافته‌های این پژوهش بیش از ۹۰ درصد زنان سالمند تنها در ایران در سه دهک درآمدی نخست قرار دارند و ۷۱ درصد آنها هیچ منبع درآمدی ندارند. به گفته او ۱۳,۵ درصد از زنان سالمند تنها درآمدی بیشتر از یک میلیون و کمتر از سه میلیون تومان دارند و درآمد ۳,۵ درصد کمتر از یک میلیون تومان است. او گفت زنان سالمند تنهای ایرانی «به‌طور جدی مشکل معیشتی دارند و برای پرداخت هزینه‌های درمان و توانبخشی با چالش بزرگی روبه‌رو هستند»



اعتراضات به رغم سایه سنگین فضای امنیتی در جامعه ادامه دارند



تجمع بازنشستگان مخابرات در ۶ شهر؛ بازنشستگان شوش تهدید به برخورد شدند
بازنشستگان مخابرات روز دوشنبه در دست کم ۶ شهر ایران تجمع‌های اعتراضی برگزار کردند و خواستار
تحقق مطالبات صنفی خود شدند.



اعتصاب ادامه دارد

تکذیب خبر جعلی پایان اعتصاب

سه‌شنبه، ۱۶ می ۲۰۲۳ - 09:20

چند روز پیش تعدادی از تشکلهای حکومتی و امنیتی که مطلقاً هیچ نقش و نفوذی در مبارزات و اعتصابات کارگری و بین کارگران نداشته و ندارند و در واقع بیشتر نقش اعتصاب شکن و تفرقه انداز را دارند، خبر از مرحله پایان یافتن اعتصاب دادند. متعاقب آن خبر بازداشت ۸ تن از سازمانگران اصلی اعتصاب توسط معاون سیاسی-امنیتی استاندار بوشهر منتشر شد و اینک خبر پایان یافتن اعتصاب، قصد دارند تا با القاء پایان یافتن اعتصاب بین اعتصابیون شک و تردید ایجاد کند. اعلام دروغی پایان یافتن اعتصاب نیز یک اقدام اعتصاب شکنانه و در ادامه اقدامات اعتصاب شکنانه پیشین است که باید برای خنثی کردن اثر آن اعتصابیون به موقع واکنش مناسب نشان دهند.



ما کارگران و زحمتکشان حق داریم زندگی کنیم؟
تا کی فریاد بزنیم ما انسانیم، انسان
تجمع و راهپیمای بازنشستگان تامین اجتماعی شوش همراه با خانواده ها
یکشنبه ۲۴/اردیبهشت/۱۴۰۲



تجمع اعتراضی بازنشستگان شرکت نفت اهواز
مصوبه دولت ملغی باید گردد
تجمع بازنشستگان شرکت نفت در اهواز در اعتراض به مصوبه دستمزدی شورای عالی کار، با خواست
افزایش حقوق متناسب با تورم و هزینه های واقعی زندگی



می‌دانستیم عادی‌سازی خیابان بدون تاوان نیست
ما به خیابان می‌آییم، آنها برای ما پرونده می‌سازند
ما به خیابان می‌آییم، آنها ما را به حبس تهدید می‌کنند
ما به خیابان می‌آییم، آنها ما را به زندان می‌اندازند

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه‌ای و علیه
قراردادهای موقت تحمیلی حمایت می‌کنیم!
کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید
در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>